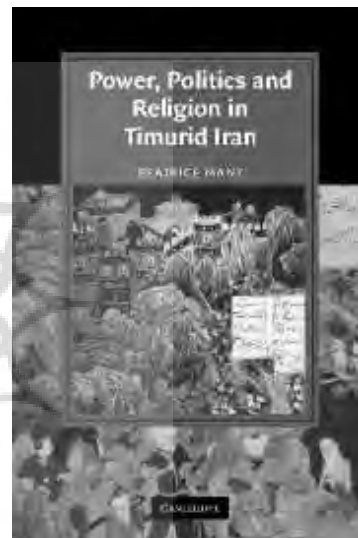


## قدرت، دین و سیاست در ایران دوره‌ی تیموری

عصر صفوی، تقریباً هیچ کدام از دودمان‌های حاکم بر ایران (غزنویان، سلجوقیان، غوریان، ایلخانان، دولت‌های مستعجل محلی و ...)، ایرانی نبودند و هر کدام به نحوی به صحرانشینان آسیای میانه و دشت قباچاق نَسب می‌بردند. این امر به هیچ وجه در نزد آنان مسأله‌ای پنهان و مذموم نبود و همیشه با افتخار از نژاد ترک خود یاد می‌کردند. حتی شخص تیمور و اخلاف او مشروعیت سیاسی - اجتماعی خود را از انتساب به مغولان و شخص چنگیز خان کسب می‌کردند. با این وجود، سلسله‌ای که تیمور بنیاد نهاد، دو مشخصه‌ی مهم و اساسی داشت که آن را از دیگر سلسله‌های حاکم بر ایران متمایز می‌کرد. اول ماهیت میلیتاریستی و نظامی‌گری فرمانروایی شخص تیمور، تا آن جا که او پس از مرگش امپراتوری وسیعی برای جانشینانش به ارث گذاشت. اما با توجه به فقدان برنامه‌ی دقیق و مؤثر برای جانشینی و همچنین نبود سازمان‌بندی منظم سیاسی در متصرفات تیمور، وحدت و یکپارچگی این امپراتوری بی‌درنگ متلاشی شد. دومین مشخصه‌ی مهم سلسله‌ی تیموری که کاملاً از مشخصه‌ی نخست متمایز است، درخشش و شکوفایی حیات فرهنگی و فکری ایرانیان در نیمه‌ی دوم حکومت تیموریان است. در این دوره و به‌ویژه در عصر شاه‌رخ، الخ بیگ و سلطان حسین بایقرا، شاهد پیشرفت‌های چشمگیری در هنر، معماری و ادبیات هستیم. همین تضاد و تفاوت در ماهیت دو دوره‌ی متمایز عصر تیموری و تأثیرات عمیقی که هر کدام بر جامعه‌ی ایرانی نهاد، این عصر را موضوع درخور توجهی برای پژوهش ساخته است. از همین روست که بئاتریس فریز منز (Beatrice Forbes Manz) محقق برجسته و استاد تاریخ دانشگاه تافتس آمریکا (Tufts University، Massachusetts) دومین اثر مربوط به دوره‌ی تیموری خود را تحت عنوان «قدرت، سیاست و مذهب در ایران عصر تیموری» به رابطه‌ی سه عنصر حکومت، جامعه و مذهب در ایران عهد تیموری اختصاص داده است. این کتاب برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ توسط انتشارات دانشگاه کمبریج انگلستان و از سری کتاب‌های مؤسسه (Cambridge Studies in Islamic) در ۳۳۴ صفحه منتشر شده است. نخستین کتاب منز درباره‌ی عصر تیموری ایران «برآمدن و فرمانروایی تیمور» است که تحت همین عنوان توسط دکتر منصور صفت‌گل به فارسی



- Power, Politics and Religion in Timurid Iran
- Beatrice Forbes Manz
- Hardcover: 334 pages
- Publisher: Cambridge University Press (April 9, 2007)

«پیشرفت‌های تیمور از ماوراءالنهر به خاور نزدیک، اوضاع و شرایط ایران را به کلی دگرگون ساخت. تغییرات و تحولات پدیدار شده منحصر به امور سیاسی ایران و یا ساختار حکومت نبود؛ بلکه تا حدود قابل توجهی در ترکیب‌بندی نژادی ایران و وضع اقتصادی - اجتماعی آن و نیز تحول و توسعه‌ی فرهنگی‌اش نیز تأثیر گذاشت.»<sup>۱</sup> دوره‌ی تیموری در تاریخ سیاسی ایران، اگرچه به‌لحاظ ساختار و ماهیت حکومت با دوره‌های پیش تفاوت‌های قابل‌ملاحظه‌ای داشت؛ ولی از نظر نژادی و نَسبی استمرار حکومت ترکان آسیای میانه و آن سوی ماوراءالنهر بر سرزمین ایران بود. چرا که از زمان استیلای غزنویان تا

**اثر منز را در سطحی کلان تر  
می‌توان تصویری عالی از تعاملات  
طبقات مختلف جامعه با یکدیگر  
و چالش‌های پیش‌روی آنان در  
خاورمیانه ارزیابی کرد**

جامعه، قدرت و مذهب در عصر تیموری است. این که حکومت - با توجه به ایرانی تبار نبودن حاکمان تیموری و تکیه‌ی اصلی حکومت بر نیروهایی که از نظر رعایای ایرانی بیگانه بودند - چگونه اقتدار و کنترل خود را بر طبقات مختلف جامعه اعمال می‌کرد و این که جامعه چگونه در پیوند و ارتباط با دولت، به حیات خود استمرار می‌بخشید. به عبارت دیگر، مناسبات و پیوند حکومت با طبقات گوناگون جامعه (بزرگان و نخبگان، حکام محلی، فقها و علما، صوفیان، رعایا و...) بر چه اساسی و به چه شکلی بود. به این ترتیب، پرسش اساسی‌ای که نویسنده قصد پاسخ دادن به آن را دارد، چرایی و چگونگی تعامل متقابل حکومت و جامعه در ایران دوره‌ی میانه است. از نظر مؤلف، روابط دولت و جامعه، نه تنها در ایران، بلکه در خاور میانه به دلیل شرایط ویژه محیطی، مسأله‌ای دشوار و پیچیده است. اگرچه قسمت بیشترینه‌ی کتاب مسائل ایران را - ایران عصر تیموری - در بر می‌گیرد؛ ولی به دلیل آن که تهاجمات تیمور تقریباً بسیاری از مناطق خاورمیانه را در بر می‌گرفت و همچنین ایران عصر تیموری شامل نواحی وسیعی از خاورمیانه‌ی کنونی بود، منز علاوه بر بحث از روابط و مناسبات متقابل حکومت و جامعه در ایران، همین روابط و مناسبات را در خاور میانه نیز بررسی کرده است. بدین معنا که صفحات متعددی از کتاب مربوط به مسائل خاور میانه نیز است. بدین ترتیب، اثر منز را در سطحی کلان تر می‌توان تصویری عالی از تعاملات طبقات مختلف جامعه (طبقه‌ی حاکم، رعایا و مردم عادی، فقها، صوفیان، نظامیان و...) با یکدیگر و چالش‌های پیش‌روی آنان در خاورمیانه ارزیابی کرد.

گزیده‌ی دیگر آثار مؤلف در این زمینه:

**The Rise and Rule of Tamerlane**, برآمدن و فرمانروایی تیمور - Cambridge University Press, 1989

**Central Asia in Historical Perspective**, آسیای مرکزی در چشم‌انداز تاریخی - West view Press, 1994 (ed)

حیات تیمور - "Journal of" - Journal of World History, vol 13 #1 (2001)

Multi-ethnic Empires and the Formulation of " - Identity," Ethnic and Racial Studies, vol.26 (2003)

امپراطوری‌های چندنژاده و شکل‌گیری هویت

پی‌نوشت:

۱ - تاریخ ایران دوره‌ی تیموریان (پژوهش از دانشگاه کمبریج)؛ ترجمه‌ی یعقوب آژند، جام، ۱۳۸۲، ص ۵۱

برگردانده شده است. کتاب اخیر بیشتر تاریخ تحولات سیاسی دوره‌ی تیموریان، به‌ویژه گزارش برآمدن و لشکرکشی‌های شخص تیمور است. اما کتاب مورد بحث ما (قدرت، سیاست و مذهب...)، نیمه‌ی دوم فرمانروایی تیموریان و به‌طور عمده حکومت شاهرخ را آن هم از منظر اجتماعی - مذهبی و از جنبه روابط و مناسبات جامعه و دولت با توجه به شرایط اجتماعی، مذهبی و اقتصادی مورد بحث قرار داده است. کتاب منز از هشت فصل تشکیل شده است به اضافه فهرس، مقدمه، کروئولوژی، شجره‌نامه‌ی خاندان تیموری، پیش‌گفتار، نقشه‌های تاریخی، نتیجه، کتاب‌شناسی و نمایه. فصول هشت‌گانه کتاب به ترتیب عبارتند از:

۱- ساختار (formation) دولت تیموری در عصر شاهرخ

۲- منابع و تاریخ‌نگاری

۳- دیوان شاهرخ و دیوانیانش

۴- منابع سیاسی و نظامی ایران

۵- فرمانروایی تیموریان در ایران مرکزی و جنوبی

۶- فعالیت‌های سیاسی در سرزمینی فوق‌العاده

۷- حکومت و سیاست‌های طبقات مذهبی

۸- شورش سلطان محمد بن بایسنقر و نبرد بر سر جانشینی

همان‌گونه که در بالا ذکر شد، بخش اعظم کتاب به سلطنت شاهرخ (۸۵۰ - ۷۹۹ ق) و تحولات سیاسی - اجتماعی هم‌زمان با آن اختصاص دارد. شاهرخ پس از، از میان رفتن تمامی رقبای خود، از جمله خلیل سلطان، سلطان حسین و پیر محمد، جانشین تیمور شد. شاهرخ وابستگی شدیدی به شهر هرات داشت و پس از به‌دست‌گیری قدرت، از حرکت به سمرقند خودداری ورزید و تا زمان مرگ خود در سال ۸۵۰ق / ۱۴۴۷م از هرات بر سراسر امپراتوری تیمور فرمانروایی می‌کرد. در زمان سلطنت شاهرخ، پیشرفت‌های مهمی در حیات فرهنگی (به‌ویژه حوزه‌های فکری - هنری) ایرانیان صورت گرفت. این پیشرفت‌ها شامل نقاشی مخصوصاً نگارگری (مینیاتور)، خوش‌نویسی، معماری، موسیقی، تاریخ‌نگاری و فقه و کلام اسلامی بود. این موضوعات به‌اضافه‌ی ساختار حکومتی دولت تیموری در عصر شاهرخ، بحث‌های اصلی فصول نخستین کتاب است.

مباحث کتاب با شرح متصرفات و فرمانروایی وابستگان دربار تیموریان در جنوب و غرب ایران ادامه می‌یابد - که البته دیری نپایید و به‌زودی جنوب و غرب ایران از قلمرو حکومتی تیموریان خارج شد - و با بحث از «حکومت و سیاست‌های طبقات مذهبی» و «شورش سلطان محمد بن بایسنقر و نبرد بر سر جانشینی» خاتمه می‌یابد. مرگ شاهرخ آغازی بود بر پایان عصر درخشان شکوفایی حیات فرهنگی ایران، چرا که بلافاصله پس از مرگ وی، کشمکش‌های داخلی بر سر جانشینی او شروع شد. از مهم‌ترین مدعیان جانشینی شاهرخ، یکی از نوادگانش به نام سلطان محمد بن بایسنقر بود که شاهرخ سه ماه قبل از مرگش، در رمضان سال ۸۵۰ق / دسامبر ۱۴۴۶م حامیان او را در جاده‌ی ساوه سرکوب کرد؛ اما سلطان محمد به لرستان گریخت. بعدها در زمان الغ بیگ مجدداً عصیان خود را از لرستان آغاز کرد.

تا این‌جا مطالب فوق، ذکر عناوین و سرفصل‌های کتاب بود. اما محتوای اصلی آن، جدای از رویدادها و تحولات سیاسی، تعامل و مناسبات